

## کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی

لیلا شهبابی فراهانی<sup>۱</sup>، مریم فاتحی زاده<sup>۲</sup>، عذرا اعتمادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف نگرش‌های انتخاب همسر دختران مجرد ایرانی انجام شد. روش: این مطالعه با روش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. طی این پژوهش، پژوهشگر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۵ نفر از دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله مجرد را در شهر تهران شناسایی و مورد مصاحبه قرار داد. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس خط به خط دست‌نویس شدند و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به شناسایی دو مقوله اصلی نگرش‌های کارآمد انتخابی با زیرمقوله‌های (عقلانیت و منطق‌گرایی، واقع‌گرایی، باور به خودشناسی، باور به دیگرشناسی، الزامی تلقی‌کردن رابطه شناختی، باور به تعادل‌سنجی، باور به همفکری و مشاوره انتخاب) و نگرش‌های ناکارآمد انتخابی با زیرمقوله‌های (ایده‌آل‌گرایی، محدودکننده دانستن انتخاب و ازدواج، ناموثر و غیرضروری تلقی‌کردن همفکری در انتخاب و تلقی انتخاب و ازدواج به عنوان پل‌رهایی مطلق از رنج) در زمینه نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج نسبت به انتخاب شد. نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش با شناسایی نگرش‌های کارآمد و ناکارآمد دختران نسبت به انتخاب، زمینه را برای تدوین برنامه‌هایی آموزشی و اصلاحی جهت

۱. دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: shahrabi.leila@edu.ui.ac.ir

۲. (نویسنده مسئول)، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تقویت نگرش‌های مثبت در این گروه از افراد فراهم کرد و همچنین با شناسایی نگرش‌های ناکارآمد زمینه را برای رفع این نگرش‌ها و انتخابی موفق‌تر فراهم کرد.  
واژه‌های کلیدی: نگرش، انتخاب همسر، دختران در آستانه ازدواج.

## مقدمه

انتخاب همسر<sup>۱</sup> و ازدواج موفق هنوز یک هدف با ارزش بالا برای بسیاری از افراد است (ویلکاکس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). از جمله مسائلی که میزان موفقیت انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نگرش<sup>۳</sup> نسبت به این انتخاب و زندگی زناشویی است. نگرش‌ها بر رفتار انسان به شیوه‌های مختلف از قبیل تأثیر بر توجه، طبقه بندی، حافظه، تفسیر و یافتن اطلاعات تأثیر می‌گذارند (گاورونسکی و بودنهاوسن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). نگرش‌ها سازه‌های فرضی‌اند که روان‌شناسان برای تبیین و توضیح پدیده‌های مورد علاقه ارائه داده‌اند (شوارز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). نگرش جزء متغیرهای قابل مشاهده نیست و متغیری فرضی و پنهان است، مفهوم نگرش به عمل یا پاسخ فرد اشاره ندارد بلکه چیزی جدا از اعمال و پاسخ‌های مرتبط با آنهاست (فازیو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷).

نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و سازه‌ای نسبتاً ثابت است. نگرش ناکارآمد نسبت به نحوه انتخاب همسر باعث می‌شود افراد با دید و باوری غیرمنطقی به ازدواج بنگرند و آن را به صورت امری آسان و عادی که نیاز به تلاش چندانی ندارد تلقی کنند. نگرش‌ها را نمی‌توان دید، یا وزن کرد. ساده‌ترین راه برای سنجش نگرش‌ها این است که از افراد بخواهیم خودشان به ما در مورد چیزی که در سردارند گزارش دهند (اسمایت و

1. mate selection

2. Wilcox, B

3. attitude

4. Gawronski, B. & Bodenhausen, G. V

5. Shwarz, N

6. Fazio, R. H

مک کی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

وقتی افراد با یکسری باورهای محدودکننده و کلیشه‌ای دست به انتخاب می‌زنند، بعد از شروع زندگی آنچه انتظار داشته‌اند را دریافت نمی‌کنند و از انتخاب خود مایوس می‌شوند (لارسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). باورهای محدودکننده<sup>۳</sup> در مورد انتخاب همسر به صورت باورهای شخصی تعریف می‌شوند که بنا به تعریف لارسون (۲۰۰۰) شامل چهار دسته باور هستند: (۱) محدود کردن انتخاب‌های فرد بر اساس اینکه با چه کسی و چه زمانی ازدواج کند، (۲) تقویت کردن باور به تلاش بیش از حد یا بسیار کم برای یافتن همسر مناسب (۳) عدم توجه عمیق در مورد ضعف‌ها و قدرت‌های درون فردی و عوامل شخصیتی موثر بر موفقیت زندگی زناشویی و (۴) باور به دائمی بودن مشکلات مربوط به انتخاب همسر و عدم وجود راه‌حل‌های مناسب و سازنده. برای مثال بعضی افراد بر این باورند که تنها عشق می‌تواند از پس تمام مشکلات برآید و ازدواج موفق را رقم زند، همچنین باور به اینکه برای ازدواج تنها یک فرد مناسب وجود دارد، باعث خواهد شد که فرد به دنبال موردی مناسب نباشد بلکه به دنبال تنها مورد مناسب باشد که می‌تواند منجر به منفعل شدن او در فرایند انتخاب همسر گردد (لارسون، ۲۰۰۰). به جرات می‌توان گفت که یکی از عوامل مهم ازدواج‌های ناموفق، اشاعه نحوه نگرش نادرست و غیرمنطقی افراد نسبت به فرایند ازدواج و نحوه انتخاب همسر است. نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتار هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر دادن نگرش‌های افراد می‌توان رفتارهای آنها را تغییر داد (توماس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۱).

تحقیقات در زمینه انتخاب همسر تاریخیچه‌ای به قدمت مطالعات در مورد ازدواج و خانواده دارد. از قبل از سال ۱۹۳۰، مطالعات علمی در مورد انتخاب همسر بر تغییر اجتماع و مسائل مرتبط با آن متمرکز بوده است. مطالعات محققان در زمینه نگرش و

1. Smite, E. & Mackie, D. M

2. Larson, J. H

3. Constraining beliefs

4. Thomas, K

انتخاب همسر از اواسط سال ۱۹۳۰ تا حدود سال ۱۹۵۰ به طور خاصی معطوف بر ساختارهای شخصیت و ویژگی‌های اجتماعی مرتبط با محبوبیت در گروه‌ها بود (نواسبام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). تئوری وینچ<sup>۲</sup> بیان می‌کند که افرادی که با هم ازدواج می‌کنند یک سطح مشترک هوش، مذهب و سیاست را دارا هستند اما شدت متفاوتی از نیازها و ابرازهای هیجانی را دارند (وینچ، ۱۹۵۸). نظریه مقایسه اجتماعی فستینگر<sup>۳</sup>، بیان می‌کند افراد، برای دوری از ناهمانندی تمایل به شبیه بودن دارند (فستینگر، ۱۹۵۴). طبق نظریه‌های مختلف تبادل و پاداش<sup>۴</sup> افراد در جستجوی دریافت بیشترین لذت و کمترین درد از دیگران هستند بنابراین افرادی جذابتر هستند که بیشترین میزان پاداش‌های باارزش را فراهم می‌کنند (آدامز<sup>۵</sup>، ۱۹۶۳). تفاوت‌های فردی که به عنوان نگرش‌ها یا رفتار تعریف می‌شود از بین تفاوت‌های اصلی با یک بعد شناختی رفتاری دیده می‌شود. رویکرد شناختی توسعه یافته پیشنهاد می‌کند که جذابیت بین فردی می‌تواند محل تلاقی روان‌شناسی اجتماعی و رشد باشد (لوینگر و اسنوگ<sup>۶</sup>، ۱۹۷۲؛ هیستن<sup>۷</sup>، ۱۹۷۴).

پراکاش<sup>۸</sup> (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان «چه کسی با چه کسی ازدواج می‌کند؟» تغییر ترجیحات انتخاب همسر در جوانان هندی را نشان داد. نتایج تحقیق نشان داد که معیارهای ازدواج جوانان تغییر کرده و نقش والدین در فرایند انتخاب همسر کم شده است. ازدواج‌های حاصل از انتخاب شخصی افزایش یافته و فضای بیشتری برای انتخاب‌های فردی در فرایند همسرگزینی فراهم شده است. ویلوگی، هال و لوکزاک<sup>۹</sup>

1. Nussbaum, L. B
2. Winch, R. F
3. Festinger, L. A
4. several reward & exchange theories
5. Adams, J. S
6. Levinger, G. & Snoek, J. D
7. Huston, T. L
8. Prakash, R
9. Willoughby, B. & Hall, S. S. & Luczak, H. P

(۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان "الگوهای زناشویی چارچوبی مفهومی برای نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای زناشویی" انجام داده‌اند؛ آنها در این پژوهش یک چارچوب مفهومی برای خلاصه کردن باورها و ارزش‌های زوجی افراد صرفنظر از وضعیت زوجی فراهم کرده‌اند. طراحی مفاهیم از نشانه‌های اثر متقابل و نظریه‌های اخیر نگرش‌های زناشویی صورت گرفته است. شش بعد به هم پیوسته از الگوهای زناشویی پیشنهاد شده است: برجستگی<sup>۱</sup> زناشویی، تنظیم وقت زناشویی، بافت زناشویی، فرایندهای زناشویی، استمرار زناشویی و محوریت<sup>۲</sup> زناشویی.

بردفورد، استوارت، فیسترو هیگینبوتام<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "تأثیر برنامه انتخاب‌های میان‌فردی پیش از ازدواج و برنامه‌های آگاهی‌بخش بین جوانان بر مهارت‌های ادراک رابطه، انتخاب شریک، الگوهای ارتباطی و رفتارهای رابطه و نگرش‌ها پرداختند"؛ روش‌های تحلیل ترکیبی نشان داد که نمرات گروه آموزش در تمام نتایج در قسمت پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته است؛ نتایج بیان می‌کند که برنامه PICK<sup>۴</sup> به مشارکت‌کنندگان در افزایش دانش آنها درباره اجزای سازنده رابطه سالم کمک کرده است. اسکالر<sup>۵</sup> (۲۰۱۶)، در تحقیقی به تحلیل روایت‌های نسل دوم آمریکایی‌های آسیایی تبار درباره روابط صمیمانه والد-فرزند، فرهنگ‌پذیری و ترجیحات قومی در انتخاب همسر پرداخته است و نتیجه می‌گیرد که نزدیکی هیجانی والد-فرزند، فرهنگ‌پذیری و هویت قومی بر ترجیحات نژادی در انتخاب همسر شرکت‌کنندگان اثرگذار بوده است.

اهمیت مطالعه باورها در رابطه‌ها در تحقیقاتی که پیشنهاد می‌دهند باورها و احساسات درهم‌تنیده می‌باشند، مورد بررسی قرار گرفته است (نواسبام، ۲۰۰۶). کاب،

1. salience

2. centrality

3. Bradford, K. Stewart, J. W. Pfister, R. & Higginbotham, B

4. Premarital Interpersonal Chooses & Knowledge Program

5. Sklar, Q. T

لارسون و واتسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، مشاهده کردند که افراد درباره درجه‌ای که بر عقاید خود صحه می‌گذارند یا درباره میزان اهمیت بعضی از باورهایشان اطلاعات کمی دارند (لارسون، ۱۹۹۲؛ کاب، لارسون و واتسون، ۲۰۰۳).

انتخاب همسر مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، هنجارهایی دارد که خاص آن جامعه می‌باشد؛ در ایران نیز با توجه به فرهنگ و مذهب و دوران کنونی، مسائل ازدواج و انتخاب همسر دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. دین غالب ایرانیان اسلام است، در جهان بینی اسلامی ازدواج سنت نبوی است؛ پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: "بهترین امت من در درجه اول کسانی هستند که ازدواج کرده‌اند" (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳). خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: "اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد..." (اعراف، ۱۸۹). ایران به عنوان یکی از کشورهای جهان سوم، در مرحله گذر از سنت به مدرنیته است که باعث تغییرات وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی بخصوص انتخاب همسر شده است؛ این تغییرات موجب شده مردان و زنان نگرش‌های جدیدی به پیوند زناشویی و انتخاب همسر داشته باشند، که در پژوهش‌های جدید باید در نظر گرفته شود؛ به برخی از پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در ایران راجع به انتخاب همسر صورت گرفته اشاره می‌شود.

میراحمدی، فاتحی‌زاده، اعتمادی، جزایری، و پسندیده (۱۳۹۶) در پژوهشی کیفی انتخاب همسر مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر اساس تحلیل کیفی احادیث اصول کافی، را بررسی کردند و الگوی همسرگزینی برمبنای سه اصل سبک انتخاب، معیارهای انتخاب و فرایند انتخاب را تدوین کردند. بر اساس این سه اصل، در همسرگزینی اسلامی می‌بایست ابتدا به تبیین ضرورت، حکمت، فواید و اهداف ازدواج پرداخت، سپس معیارهایی را برای انتخاب صحیح و دقیق معرفی کرد و در فرایند انتخاب بر اساس اصول اسلامی اقدام کرد. نتایج پژوهش رضوی، فاتحی‌زاده، اعتمادی و عابدی (۱۳۹۱)

1. Cobb, N. P. Larson, J. H. & Watson, W. L

تحت عنوان تعیین رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد نگرش به نحوه انتخاب همسر، نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی مربوط به طرحواره استحقاق و یکی از ابعاد نگرش نسبت به انتخاب همسر (شیوه استفاده از شناخت فرد مورد نظر) می‌باشد. در این پژوهش بیان شده است افرادی که دارای طرحواره استحقاق هستند خود را بیشتر از دیگران قبول دارند. بنابراین در زمینه انتخاب همسر نیز بر این باورند که در صورتیکه شناخت کافی از طرف مقابل کسب کنند دیگر نیازی به اطرافیان ندارند. سلیمی و کریمی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر آموزش مفاهیم لازاروس<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بر تغییر نگرش نسبت به انتخاب همسر در بین دانشجویان دختر پرداختند. نتایج نشان داد که برنامه آموزشی موجب تغییر نگرش در دانشجویان شده است.

جبرائیلی، زاده محمدی و حیدری (۱۳۹۲) تفاوت ترجیح‌های انتخاب همسر دختران و پسران را بررسی کرده‌اند؛ نتایج تفاوت معناداری را بین ملاک‌های انتخاب همسر دختران و پسران نشان داد. پسران، ملاک‌های مرتبط با زیبایی و دختران، ملاک‌های مرتبط با توانایی مالی مرد و قابل اتکا بودن او را بیشتر ترجیح می‌دهند. رضوی، جزایری، احمدی و اعتمادی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه آماده‌سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل اولسون<sup>۲</sup> بر رضایت زناشویی زوج‌ها در دوران عقد پرداخته‌اند و با اجرای هفت جلسه برنامه آماده‌سازی پیش از ازدواج برای ۳۰ زوج در دوران عقد، افزایش میانگین نمرات رضایت زناشویی را نتیجه گرفتند. جنادله و رهنما (۱۳۹۳) با تحلیل ثانویه داده‌های ملی به بررسی دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی پرداخته‌اند. خانواده متعارف ایرانی، که دارای ویژگی‌هایی همچون الگوی همسرگزینی مبتنی بر محوریت و موافقت والدین، عمومیت ازدواج و پایین بودن نسبی سن ازدواج، ممنوعیت روابط جنسی خارج از ازدواج است، به دلیل تغییرات ساختاری ناشی از نوسازی مانند صنعتی شدن، رشد تحصیلات، شهرنشینی و... که منجر به ایجاد

1. Lazarus, A. A.

2. Olson.

دگرگونی در سیستم ارزشی افراد شده است به مرور زمینه را برای ظهور الگوهای ارتباطی جدید بین دو جنس فراهم کرده است.

در جامعه ایران با بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی و تحصیلات، سطح توقعات و انتظارات افراد به مراتب بیشتر از گذشته شده است و این تفاوت‌ها در فرهنگ‌های مختلف و گروه‌های اجتماعی قابل مشاهده است؛ بخش قابل ملاحظه‌ای از این تغییرات در نگرش‌های افراد به انتخاب همسر می‌باشد. با توجه به اینکه نگرش‌های فرد در مورد ازدواج و چگونگی پیشرفت رضایت زناشویی ممکن است به طور معناداری بر الگوی معاشقه، انتخاب همسر، سن ازدواج، انتظارات از ازدواج، کیفیت زندگی و در نهایت رضایت زناشویی اثرگذار باشد؛ و با توجه به اینکه پژوهش کیفی روشی مناسب برای کشف تجربیات افراد و آنچه که در زیر این تجربیات قرار دارد می‌باشد و عمق بیشتری نسبت به پژوهش کمی دارد، این پژوهش به صورت کیفی به بررسی نگرش‌های دختران دختران در آستانه ازدواج پرداخته است.

## روش

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. تحلیل مضمون شامل این تحقیق در شهر تهران انجام شده است. نمونه مورد بررسی نیز دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله در آستانه ازدواج بودند که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. بدین صورت که شش نفر از اعضای نمونه به صورت هدفمند انتخاب شدند و نه نفر دیگر نیز به صورت گلوله‌برفی و توسط این شش نفر معرفی و در جریان پژوهش مشارکت داده شدند. حجم نمونه نیز مبتنی بر اصل اشباع مشخص گردید، در واقع فرایند گزینش، نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده‌ی جدیدی پدیدار نشد و این اتفاق در پانزدهمین مصاحبه به وقوع پیوست. معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از مجرد بودن و نداشتن ازدواج،



محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، فقدان ناتوانی و یا نابهنجاری شناختی و روانی خاص (تشخیص از طریق مصاحبه) و تمایل به مشارکت در پژوهش. برای دستیابی به اطلاعاتی دقیق و جامع، عرصه‌ی مطالعه در حیطه‌ای گسترده انتخاب شد و مصاحبه‌شوندگان در مناطق مختلف شهر تهران و با در نظر گرفتن تفاوت‌های شغلی، تحصیلی و سنی انتخاب شدند. مشخصات دختران در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- اطلاعات توصیفی دختران مجرد

کد	سن	تحصیلات	شغل	ترتیب تولد
۱	۲۵	کارشناس ادبیات عرب	دانشجو	اول
۲	۲۲	دانشجوی حقوق	دانشجو	سوم
۳	۲۷	دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات	دانشجو	چهارم
۴	۲۷	دانشجوی دکتری مشاوره خانواده	مشاور خانواده و ازدواج	سوم
۵	۲۳	کارشناس علوم آزمایشگاهی	بیکار	دوم
۶	۲۶	دانشجوی دکتری مشاوره خانواده	مشاور خانواده	سوم
۷	۲۵	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	معلم	ششم
۸	۱۹	دیپلم تجربی	بیکار	دوم
۹	۲۷	کارشناس ارتباطات	بیکار	سوم
۱۰	۳۰	کارشناس ارشد ارتباطات	پژوهشگر	اول
۱۱	۲۲	دیپلم	منشی	اول
۱۲	۲۰	دانشجوی مدیریت بازرگانی	کارمند (حسابدار)	دوم
۱۳	۲۳	کارشناس حسابداری	کارمند (حسابدار)	دوم
۱۴	۲۱	دانشجوی علوم تغذیه	دانشجو	سوم
۱۵	۱۸	دیپلم	بیکار	اول

برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. برای تدوین سوالات مصاحبه، ادبیات پژوهش مرور گردید و با مشورت اساتید سوالات در

قابلی منسجم طراحی گردید. مصاحبه‌ها با یک سوال کلی در مورد انتخاب و همسرگزینی و نگرش نسبت به چگونگی انتخاب شروع شد (نگرش شما نسبت به انتخاب و همسرگزینی چیست؟ از دیدگاه شما فرایند انتخاب چگونه باید باشد؟) و در طول انجام پژوهش از سوالات کاوش‌گرانه مانند (می‌توانید در این باره توضیح بیشتری بدهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان بکنید؟) جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. توالی پرسش‌ها به فرایند مصاحبه و پاسخ‌ها به یک از مشارکت‌کنندگان بستگی داشت و برای همه شرکت‌کنندگان یکسان نبود. تعداد ۱۵ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته انجام شد که هرکدام ۶۰-۷۵ دقیقه به طول انجامید و زمان مصاحبه (ساعت دقیق مصاحبه) و محل مصاحبه از قبل توسط فرد پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص شد. داده‌ها در طول یک دوره ۸ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردید.

برای رعایت ملاحظات اخلاقی، پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آن‌ها اطمینان داد که اطلاعات داده‌شده از جانب آن‌ها و هویتشان کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و امانت‌داری در متن مصاحبه رعایت می‌گردد. همچنین به آن‌ها اطمینان داده شد که گفت‌وگوی ضبط‌شده پس از اتمام تحلیل و نگارش کامل رساله پاک خواهد شد و به آزادی افراد در خروج و عدم‌ادامه‌ی همکاری شرکت‌کنندگان نیز تأکید شد. لازم به ذکر است که در صورت تمایل یک نسخه از مقاله چاپ‌شده به مشارکت‌کنندگان در پژوهش داده خواهد شد.

جهت تحلیل اطلاعات، از روش تجزیه و تحلیل مضمونی استفاده شد. هدف از تحلیل داده‌ها در این شیوه استخراج مفاهیم و سپس مضامین است. مضامین یک‌سری مشخصه‌های کلی هستند که معنای محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوت‌ها را بازنمایی می‌کند. هر مضمون باید یک جزء متفاوت از پدیده را تشریح کند و تعداد مقوله‌ها نباید زیاد باشد بلکه حداقل تعداد مطرح است. فرایند تجزیه و تحلیل در این روش در طی ۶

مرحله انجام می‌شود که عبارت‌اند از آشنایی با داده‌ها، تدوین کدهای اولیه، جست‌وجو برای مضامین، بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش (علی‌مهدی و قربانی، ۱۳۹۴). براساس این روش متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناختی کلی از آن حاصل شود. سپس برای هر یک از متون مصاحبه خلاصه‌ی تفسیری نوشته‌شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام گردید. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. مطالعه پیوسته خلاصه تفسیری مصاحبه‌ها و شناسایی عبارات و جملات همسوبا هدف پژوهش، زمینه را برای استخراج گزاره‌های اولیه فراهم کرد. پس از استخراج گزاره‌های اولیه پژوهشگر فرایند تشابه‌یابی، مقایسه و ادغام را اجرایی نمود و گزاره‌های همسورا در کنار یکدیگر قرار داد و در قالب گزاره‌هایی جامع‌تر تحت عنوان زیرمضمون ترکیب نمود. با تداوم مصاحبه‌ها، زیرمضامینی که استخراج شده بودند تکامل می‌یافتند و گاه زیرمضامین جدیدی نیز شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرآیند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت و در هر مرحله با مقایسه و ادغام گزاره‌ها و زیرمضامین استخراجی، قالب تحلیل کلی‌تر و جامع‌تر می‌گشت و بدین صورت پیوند بین خلاصه‌های تفسیری، گزاره‌های مفهومی و زیرمضامین جهت رسیدن به نتیجه‌ی نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. در واقع در جریان تحلیل، مقوله‌بندی براساس تدوین خلاصه‌های تفسیری و مطالعه مکرر آن، استخراج گزاره‌ها، استخراج زیرمضامین و طبقه‌بندی و مقایسه آن‌ها صورت گرفت. پس از استخراج گزاره‌ها و زیرمضامین، مضامین مشترک و مرتبط با هم، مضامین اصلی را شکل دادند و مضامین غیرمرتبط حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکتی مداوم بین مفاهیم صورت گرفت و بر مبنای اصول نظری حاکم زیرمضامین و مضامین اصلی نامگذاری شدند.

به منظور بررسی صحت و اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از ۴ شاخص اعتبار گوبا و لینکولن<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) استفاده شد. برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، متون مصاحبه هر فردی (تأحدهی که ممکن بود) دوباره به وی داده شد و در صورت لزوم تغییرات لازم در آن اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض‌های خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری داده‌ها دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران و اساتید متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی فرایند تحلیل و مضمون‌بندی‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم یافته‌های پژوهشی، پژوهشگر تلاش کرد که برای مشارکت در پژوهش دخترانی از مناطق مختلف شهر تهران و با سطح تحصیلی، شغلی و سنی متفاوت انتخاب شود.

### یافته‌ها

تمامی شرکت‌کنندگان مطالعه دختر و همگی در آستانه ازدواج بودند، میانگین سنی آن‌ها ۲۳/۶ سال بود، سه نفر از آن‌ها دیپلم بودند، هفت نفر کارشناسی، سه نفر کارشناسی ارشد و دو نفر دانشجوی دکتری بودند. چهار نفر از آن‌ها بیکار بودند، چهار نفر دانشجوی و مابقی شاغل بودند. چهار نفر از آن‌ها فرزند اول خانواده و مابقی فرزند دوم تا ششم بودند. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۶۷ گزاره مفهومی (کد اولیه)، ۱۱ زیرمقوله (طبقه فرعی) و دو مقوله اصلی شد که در جدول شماره دو آورده شده است.

1. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S

جدول شماره ۲: نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج کدامند؟

مقوله اصلی	زیرمقوله	گزاره‌های مفهومی (کد اولیه)
نگرش‌های کارآمد انتخابی.	عقلانیت و منطق‌گرایی	در نظر گرفتن معیارهای مناسب و مطلوب در انتخاب، بررسی عقلانی انتخاب و فرایند آن، در نظر گرفتن آمادگی‌های خود برای ازدواج در فرایند انتخاب، اعتقاد به نقش رابطه شناختی کافی جهت انتخاب کارآمد، ایجاد تعادل بین دو قطب عقل و عاطفه در انتخاب.
	واقع‌گرایی	بررسی تمامی جوانب زندگی خود و انتخاب فردی همسوبا آن، مقایسه معیارهای خود با واقعیت‌های جامعه، بینش نسبت به معیارهای ازدواج موفق از دیدگاه علمی، بینش نسبت به واقعیت وجودی خود و انتخابی همسوبا آن، بینش نسبت به واقعیت فرهنگی و خانوادگی و انتخابی همسوبا آن، تأکید بر مکمل‌کنندگی فرد انتخابی، تأکید بر ضرورت ارزیابی آمادگی اجتماعی، آمادگی اقتصادی، آمادگی اخلاقی طرف مقابل.
	باور به خودشناسی	تأکید بر شناخت انتظارات خود از فرد انتخابی، تأکید بر شناخت انتظارات خود از زندگی زناشویی، تأکید بر شناخت علایق خود جهت انتخاب موفق، تأکید بر شناخت معیارهای خود جهت انتخاب موفق، تأکید بر شناخت شخصیت و نیازهای خود، تأکید بر شناسایی آرمان‌های خود، تأکید بر شناخت نسبت به ارزش‌های خود جهت انتخاب موفق.
	باور به دیگرشناسی	بینش نسبت به ارزش‌های فرد انتخابی، بینش نسبت به قدرت عشق‌ورزی فرد انتخابی، بینش نسبت به قدرت صمیمیت فرد انتخابی، بینش نسبت به قدرت تعهد فرد انتخابی، بینش نسبت به قدرت مراقبت و ملاحظت فرد انتخابی، بینش نسبت به آمادگی چندگانه فرد انتخابی برای ازدواج.
	الزامی تلقی کردن رابطه شناختی	ضرورت تلقی کردن آشنایی قبل از خواستگاری، اعتقاد به شناخت بهتر، با بررسی رفتار فرد در محیط کار و خانواده، الزامی دانستن رسیدن به شناخت با ارتباطات چارچوب مند، لزوم جلسات متعدد برای شناخت بهتر، توجه به تفاوت ظاهر فرد با واقعیت درونش، درگیر احساسات نشدن در مرحله شناخت، رسیدن به شناخت در دوران نامزدی و نه عقد
	باور به تعادل‌سنجی	ارزیابی و تطبیق علایق خود با فرد انتخابی، ارزیابی و تطبیق ارزش‌های خود با فرد انتخابی، ارزیابی و تطبیق نیازهای خود با فرد انتخابی، ارزیابی و تطبیق انتظارات خود از ازدواج با فرد انتخابی، ارزیابی و تطبیق شرایط خانوادگی خود با فرد انتخابی، ارزیابی و تطبیق فرهنگ خود با فرد انتخابی.

مقاله اصلی	زیرمقاله	گزاره‌های مفهومی (کد اولیه)
	باور به همفکری	مشورت با دوستان جهت انتخاب موفق، مشورت با متخصصین جهت انتخاب موفق، مشورت با خانواده جهت انتخاب موفق.
نگرش‌های ناکارآمد انتخابی.	ایده‌آل‌گرایی	ایده‌آل بودن ملاک‌ها، عقیده به اجبار در ازدواج موفق، انصراف از ازدواج به خاطر ناهمخوانی معیارهای فرد و واقعیت‌های جامعه، امتناع از ازدواج به خاطر حس کامل نبودن.
	محدودکننده دانستن ازدواج.	فکر کردن به ازدواج به عنوان محدودیت، محدود شدن مادر با ازدواج، افتادن در سیاه چاله با ازدواج.
	ناموثر تلقی کردن همفکری در انتخاب.	تکیه صرف بر تحلیل و تصمیم خود، عدم اعتقاد به ضرورت همفکری با متخصصین جهت انتخاب، عدم اعتقاد به ضرورت همفکری با دوستان جهت انتخاب، عدم اعتقاد به ضرورت همفکری با خانواده جهت انتخاب، توانایی شناخت ویژگی‌های طرف مقابل در یک برخورد.
	تلقی ازدواج به عنوان پل رهایی از رنج.	رهایی مطلق از تنهایی، رهایی مطلق از رنج‌های اقتصادی، آرمانی تصورکردن انتخاب و ازدواج، تلقی کردن فرد انتخابی به عنوان ناجی.

### مقاله اصلی اول: نگرش‌های کارآمد انتخابی

اولین مقاله اصلی حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان در زمینه نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج در زمینه انتخاب و همسرگزینی، نگرش‌ها و باورهای کارآمد انتخابی بود که فرایند تحلیل منجر به شناسایی ۷ زیرمقاله آن شد که عبارت‌اند از:

#### الف) عقلانیت و منطق‌گرایی

اولین زیرمقاله باورهای کارآمد جهت داشتن انتخاب موفق که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت عقلانیت و منطق‌گرایی بود. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که در انتخاب همسر می‌بایست معیارهای انتخابی خود را دقیقاً تعیین بکنند، بدانند که چه چیزی می‌خواهند، عقلانیت را بفرایند انتخاب حاکم کنند، آمادگی‌های خود را برای داشتن انتخاب و ازدواجی موفق واکاوی

کنند، رابطه شناختی توأم با نظارتی برای شناخت و در نتیجه انتخابی عاقلانه‌تر ایجاد کنند و مواظب باشند که هیجانات بر عقلانیت آن‌ها در انتخاب غالب نشود. مشارکت‌کننده شماره ۳ گفت: "برای اینکه انتخاب و ازدواجی موفق داشته باشیم عقیدم براینه که همه چیز باید براساس منطق پیش برود. اینکه طرف مقابل رو دقیقاً بررسی کنیم و با خودمون مقایسه کنیم و بفهمیم که منطقیه اون رو انتخاب کنیم و عمری باهاش زندگی کنیم". مشارکت‌کننده شماره ۵ گفت: "انتخاب باید عقلانی باشه نه احساسی. جوانب باید دقیقاً بررسی بشه چون این انتخاب بقیه زندگی ما رو تعیین می‌کنه. اگر منطق در انتخاب نباشه شکستش حتمیه".

### ب) واقع‌گرایی

واقع‌گرایی دومین زیرمقوله باورهای کارآمد جهت داشتن انتخاب موفق بود که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت تعدادی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که در انتخاب همسر می‌بایست شرایط کلی خود را برای ازدواج واقع‌بینانه بررسی کرد، جوانب زندگی خود را واکاوی و در انتخاب تأثیر داد، معیارهای خود را برای انتخاب موفق با واقعیت جامعه بررسی کرد، نسبت به معیارهای ازدواج موفق از دیدگاه علمی اطلاعات کسب کرد، نسبت به واقعیت وجودی خود و انتخابی همسوبا آن اندیشید، فردی را انتخاب کرد که نقش مکمل‌کنندگی داشته باشد و آمادگی‌های چندگانه وی را برای سنجش میزان شایستگی‌اش برای ازدواج ارزیابی کرد. مشارکت‌کننده شماره ۸ گفت: "در انتخاب همسر باید واقع‌بین بود. یعنی باید مواظب باشیم که کسی که انتخاب می‌کنیم براساس معیارهایی واقع‌بینانه انتخاب کردیم و واقعا به درد ما می‌خوره". مشارکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: "انتخاب موفق باید واقع‌بینانه باشه. کسی که خیلی ایده‌آلی نگاه میکنه و به واقعیت‌های خودش و محیطش بی‌تفاوته انتخابش موفق نیست".

### پ) باور به خودشناسی

سومین زیرمقاله باورهای کارآمد در زمینه انتخاب اعتقاد دختران مورد بررسی نسبت به ضرورت خودشناسی جهت داشتن انتخابی موفق بود. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که انتخاب لازمه‌اش این است که نسبت به انتظارات خود از همسر و زندگی زناشویی آگاه باشیم، علایق، معیارها، شخصیت، آرمان‌ها و ارزش‌های خود را دقیقاً بشناسیم و متکی بر آن انتخابی مطلوب داشته باشیم. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: "تا خودت رو نشناسی و ندونی چی میخوای، قطعاً نمی‌توانی ازدواج موفق داشته باشی". مشارکت‌کننده شماره ۱۴ گفت: "واسه اینکه بتونی کسی رو انتخاب کنی که واقعا مطلوبته، باید بدونی ارزش‌ها، شخصیت چجوریه و معیارها چی هستن. وقتی اینا رو بدونی می‌تونی اونی که می‌خوای رو برگزینی".

### ت) باور به دیگرشناسی

چهارمین زیرمقاله باورهای کارآمد در زمینه انتخاب اعتقاد مصاحبه‌شوندگان به ضرورت بینش نسبت به فردی است که قصد انتخاب او را دارند. در واقع تعدادی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که انتخاب موفق زمانی حاصل می‌شود که نسبت به ارزش‌های فرد انتخابی آگاه باشیم، پی ببریم که توانایی عشق‌ورزی دارد، می‌تواند صمیمیت ایجاد کند، میزان تعهدش نسبت به روابط بین فردی‌اش چقدر است، توانایی ایجاد مراقبت و ملاحظت را دارد و آمادگی‌های لازم را برای ازدواج دارد یا خیر. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: "واسه انتخاب موفق باید بدونی که طرف مقابلت در چه سطحیه؟ روحیاتش چجوریه؟ اصلاً آمادگی لازم رو برای ازدواج داره یا نه". مشارکت‌کننده شماره ۳ گفت: "فقط خودشناسی کافی نیست، باید فرصتی باشه تا طرف مقابلت رو بشناسی و با بررسی همه جوانبش اونوقت تصمیم نهایی رو بگیری".



### ث) الزامی تلقی کردن رابطه شناختی

یکی دیگر از زیرمقوله‌های باورهای کارآمد جهت انتخاب موفق، تأکید مصاحبه‌شوندگان بر ضرورت وجود رابطه شناختی اولیه جهت داشتن انتخاب موفق بود. در واقع مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که انتخاب مستلزم شناخت است و شناخت زمانی حاصل می‌شود که قبل از تصمیم نهایی رابطه‌ای کوتاه‌مدت بین طرفین ایجاد شود تا نسبت به هم شناخت کافی پیدا کنند و با بررسی جوانب مختلف فرد بین فردی و محیطی در یکدیگر تصمیم نهایی و مطلوبی بگیرند. مشارکت‌کننده شماره ۶ گفت: "آشنایی اولیه قبل از خواستگاری ضرورت داره، طرفین باید نسبت به رفتارهای هم در محیط کار و روابط بین فردی و خانوادگی اطلاعات کافی به دست بیارند تا بتونند تصمیم درست بگیرند". مشارکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: "شکل‌گیری جلسات متعددی بین دو نفر برای شناخت هم خیلی لازمه. البته این شناخت نباید با احساسات آمیخته بشه که ممکنه نتیجه رو اونی نکنه که واقعا باید به دست بیاد".

### ج) باور به تعادل سنجی

یکی دیگر از زیرمقوله‌های نگرش‌های کارآمد جهت انتخاب همسر که در جریان تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان شناسایی شد اعتقاد آن‌ها به تعادل سنجی بود. در واقع مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که انتخاب زمانی موفق خواهد بود که طرفین در ابعاد مختلف با یکدیگر تعادل و همسویی داشته باشند. لذا ضرورت دارد که طرفین علایق یکدیگر، ارزش‌های یکدیگر، نیازهای غالب یکدیگر، انتظارات خود و طرف مقابل از ازدواج، کمبودها و نقاط قوت و ضعف یکدیگر و شرایط خانوادگی و فرهنگی همدیگر را ارزیابی کرده و میزان تطابق آن‌ها را با یکدیگر بررسی کنند. تا بدین شکل بتوانند انتخابی موفق و مطلوب داشته باشند. مشارکت‌کننده شماره ۸ گفت: "خیلی لازمه که ارزش‌های کسی که می‌خوایم انتخاب کنیم یا خانواده و فرهنگش با ارزش‌ها و خانواده و فرهنگ ما اختلاف نداشته باشند و به هم نزدیک باشن". مشارکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: "من

خودم معتقدم قبل از تصمیم‌گیری نیازها، علایق و آرمان‌های طرف مقابلم رو با مال خودم تطبیق بدم تا بینم میزان تعادل‌مون در چه حدیه. اگر تعادل و تشابهی وجود داشت که انتخاب کنم در غیراینصورت بیخیال بشم".

### چ) باور به همفکری و مشاوره انتخاب

آخرین نگرش کارآمد در زمینه انتخاب موفق اعتقاد مصاحبه‌شوندگان به ضرورت همفکری و مشاوره با دیگران کارآمد جهت داشتن انتخابی موفق است. درواقع تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که برای داشتن انتخابی موفق باید با دوستان، خانواده و متخصصین کارآزموده مشورت کرد و صرفاً بر نظرات و دیدگاه خود تأکید نکرد. زیرا که تکیه صرف بر خویشتن انتخاب را با شکست مواجه می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۴ گفت: "من می‌گم خود آدم که کامل نیست و دیگران می‌تونن واسه اینکه انتخاب بهتری داشته باشه کمکش کنند". مشارکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: "بعضی‌ها خیلی خودشیفته هستن و نظر فقط نظر خودشونه. اینا انتخابشون موفق نیست. ما باید با متخصصین صحبت کنیم تا کمکمون کنن انتخاب بهتری داشته باشیم".

### مقوله اصلی دوم: نگرش‌های ناکارآمد انتخابی

دومین مقوله اصلی حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان در زمینه نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج در زمینه انتخاب و همسرگزینی، نگرش‌ها و باورهای ناکارآمد انتخابی بود که فرایند تحلیل منجر به شناسایی ۴ زیرمقوله آن شد که عبارت‌اند از:

### الف) ایده‌آل‌گرایی

اولین زیرمقوله باورهای ناکارآمد جهت داشتن انتخاب همسر که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت ایده‌آل‌گرایی بود. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان

ملاک‌های ایده‌آلی برای انتخاب داشتند که با واقعیت تطابقی نداشت، معتقد بودند که ازدواج نوعی اجبار است، نمی‌توانند ازدواج کنند چون معیارهایشان با واقعیت‌های جامعه تطابق ندارد و تا زمانی که کامل نشدند انتخاب و ازدواج نخواهند کرد. مشارکت‌کننده شماره ۵ گفت: "من ی سری معیارها واسه ازدواج دارم، تا الان کسی رو ندیدم که این معیارها رو داشته باشه". مشارکت‌کننده شماره ۱۳ گفت: "خب من هنوز کامل کامل نیستم و نمی‌تونم ازدواج کنم، از طرفی وقتی من کامل بشم طرف مقابلم هم باید همتراز من باشه".

### ب) محدودکننده دانستن انتخاب و ازدواج

دومین زیرمقوله باورهای ناکارآمد جهت دانستن انتخاب همسر که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت این بود که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان انتخاب و ازدواج را محدودکننده می‌دانستند. درواقع مصاحبه‌شوندگانی براین باورها تأکید داشتند که ازدواج یک محدودیت است و بسیاری از فرصت‌های پیشرفت را از فرد سلب می‌کند، ازدواج منتهی به مادرشدن می‌شود که محدودیت‌ها را دو چندان می‌کند و نهایتاً اینکه ازدواج با گستره‌ای از مشکلات و دشواری‌ها همراه است که گذران زندگی را تلخ‌تر می‌گرداند. مشارکت‌کننده شماره ۶ گفت: "چرا باید با ازدواج خودمون رواز فرصت‌های زندگی دور نگه داریم؟". مشارکت‌کننده شماره ۱۴ گفت: "ازدواج شاید منفعی داشته باشه، ولی اونقدر مسئولیت داره که ادامه زندگی را دشوار می‌کنه".

### پ) ناموثر و غیرضروری تلقی کردن همفکری در انتخاب

سومین زیرمقوله باورهای ناکارآمد جهت دانستن انتخاب همسر که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت ناموثر دانستن همفکری جهت دانستن انتخابی موفق بود. برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که عقل خودشان برای دانستن انتخابی موفق کافی است، نیازی به همفکری و مشورت با دوستان، خانواده و

متخصصین ندارند و براساس شناختی که از خود دارند می‌توانند انتخابی موفق داشته باشند. مشارکت‌کننده شماره ۷ گفت: "من اونقدر رشد کردم که بتونم خودم واسه خودم انتخاب کنم، اصلا نیازی به دیگران ندارم چون شناختم از خودم کامله". مشارکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: "شاید بعضی‌ها لازم بدونن که انتخاب موثر مشورت می‌خواد ولی من زیاد بهش اعتقاد ندارم. معتقدم فقط واسه کسانی که هیچی از خودشون و زندگی نمیدونن این مشورت لازمه".

### ت) تلقی انتخاب و ازدواج به‌عنوان پل رهایی مطلق از رنج

آخرین زیرمقوله باورهای ناکارآمد جهت داشتن انتخاب همسر که در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مورد شناسایی قرار گرفت این بود که برخی از مصاحبه‌شوندگان ازدواج را پل رهایی از تمامی رنج‌ها و رسیدن به آرامش مطلق می‌دانستند. آن‌ها براین عقیده بودند که ازدواج می‌تواند به‌طور کامل آن‌ها را از تنهایی نجات دهد، مشکلات اقتصادی‌شان را ریشه‌کن کند و اجازه تداوم هیچ مشکلی را در مابقی زندگی ندهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: "ازدواج کنم دیگه خلاص میشم از تمام مشکلاتم". مشارکت‌کننده شماره ۱۳ گفت: "انتخاب یعنی ازدواج و ازدواج یعنی خلاصی و رهایی از درد و رنج".

### بحث

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد تحلیل مضمون به بررسی نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج نسبت به انتخاب پرداخت. تحلیل و مضمون‌بندی بیانات مصاحبه‌شوندگان منجر به شناسایی دو مقوله اصلی (نگرش‌های کارآمد انتخابی و نگرش‌های ناکارآمد انتخابی) در زمینه‌ی نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج نسبت به انتخاب شد.

دختران در آستانه ازدواج نگرش‌های کارآمدی نسبت به انتخاب و ازدواج داشتند که تکیه بر آن‌ها می‌تواند زمینه را برای داشتن انتخابی موفق و نهایتاً پیوندی توأم با امنیت فراهم کند. این گروه از افراد در انتخاب بر عقلانیت و سنجش منطقی تأکید داشتند و معتقد بودند که تکیه بر عقلانیت و بررسی دقیق و همه‌جانبه انتخاب جهت داشتن انتخابی موفق ضرورت دارد. واقع‌گرا بودند و ارزیابی واقع‌بینانه شرایط کلی خود، جوانب زندگی، معیارهای ازدواج و نقش مکمل‌کنندگی فرد انتخابی را لازم می‌دانستند. بر خودشناسی و دیگرشناسی تأکید داشتند و بیان کردند که برای داشتن انتخاب موفق می‌بایست معیارها، ارزش‌ها، علایق، شخصیت، انتظارات زوجی، خانواده و باورهای فرهنگی خود و طرف مقابل را بشناسند و با تطبیق میزان همسویی آن‌ها، راه را برای داشتن انتخابی مطلوب تسهیل کرد. داشتن رابطه شناختی با فرد انتخابی را لازمه بینش نسبت به ابعاد وی و داشتن تصمیمی مطلوب می‌دانستند و بر شکل‌گیری آن تأکید داشتند. معتقد به این نگرش بودند که قبل از انتخاب می‌بایست میزان تعادل کارکردی طرفین در ابعاد مختلف وجودی، ارزشی، شخصیتی و فرهنگی سنجیده شود و مبتنی بر نتیجه‌ی این ارزیابی، تصمیم نهایی گرفته شود. نهایتاً اینکه صرفاً بر عقل خود متکی نبودند و گرفتن مشاوره و راهنمایی از متخصصین، خانواده و دوستان عاقل را ضروری می‌انگاشتند. این مجموعه از نگرش‌ها، نگرش‌های کارآمدی بودند که دختران در آستانه ازدواج با تکیه بر آن سعی بر گرفتن تصمیمی مطلوب و انتخابی شایسته داشتند، انتخابی معقول که داشتن زندگی زناشویی توأم با موفقیت را می‌تواند تا حد زیادی تضمین کند.

کرپلمن، پیتمن، آدلر-بادر، اریجیت و پاول<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خویش تصریح کردند که انتخاب همسر و یا همسرگزینی زمانی با موفقیت همراه خواهد بود که فرد نسبت به خصایص و توانمندی‌های هیجانی و فکری خود بینش داشته باشد و همچنین فردی را

1. Kerpelman, J. L., pittman, J. F., Adler-baeder, F., Eryigit, F., & Paul k, A

انتخاب کند که از آمادگی های هیجانی و فکری برخوردار باشد. در واقع از دیدگاه این افراد شناخت ابعاد هیجانی و فکری خود و انتخاب فردی همسوی با این ابعاد جهت داشتن انتخابی موفق ضرورتی تام دارد. بسیاری از افراد بر این عقیده هستند که برخوردار از آمادگی های کارکردی نظیر آمادگی عقلانی و هیجانی جهت داشتن انتخابی موفق ضرورت دارد لذا قبل از انتخاب از یکسوی بایست این آمادگی ها را در خویشتن ایجاد کرد و از سوی دیگر همسر خود را از میان افرادی انتخاب کرد که از این آمادگی ها برخوردار است (کیلاوی<sup>۱</sup>، فتحی، دادرسی، دانشپور و علمی، ۲۰۱۷). بردفورد، استوارت، فیستر و هیگینبوتام (۲۰۱۶) در پژوهشی دیگر بر این واقعیت تأکید کردند که انتخاب موفق مستلزم آشنایی افراد با عواملی است که جهت داشتن انتخاب و در نتیجه زندگی موفق لازم است، لذا قبل از انتخاب فرد می بایست معیارها و ابعاد تأثیرگذار در انتخاب و ازدواج موفق را در خویشتن و طرف مقابل مورد بررسی قرار دهد و پس از تحلیل عقلانی و واقع‌گرایانه آن، انتخابی مطلوب انجام دهد. میرمحمدصادقی (۱۳۸۴) نیز تصریح می‌کند که افرادی که انتخابی موفق دارند بر الزامی بودن آشنایی قبل از ازدواج تأکید دارند و تا زمانی که شناختی مطلوب نسبت به طرف مقابل خود پیدا نکنند تصمیم نهایی خود را نمی‌گیرند. در واقع وی بر این واقعیت تأکید دارد که آشنایی از طریق تعامل با فرد انتخابی، به ما در شناخت خود و وی کمک می‌کند. در واقع انتخاب موفق از دیدگاه وی مستلزم ایجاد رابطه‌ی شناختی است، رابطه‌ای که این امکان را فراهم می‌کند تا نسبت به ابعاد شخصیتی، ارزشی، خانوادگی و ارتباطی طرف مقابل و خود پی ببریم و مبتنی بر چنین شناختی تصمیمی معقول بگیریم، تصمیمی که داشتن زندگی زوجی موفق را در آینده پیش بینی می‌کند.

عوامل زیادی در داشتن انتخابی موفق و مطلوب تأثیر دارند که از این میان نگرش‌ها و باورهای کارکردی در مورد انتخاب و چگونگی انجام آن از جمله مهم‌ترین این عوامل

می‌باشد. نگرش‌ها باورهایی هستند که فرد نسبت به یک موقعیت دارد و معمولاً در جهت آن گام برمی‌دارد، باورهایی که ممکن است جهتی سازنده و یا مخرب داشته باشند و عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار دهند. بسیاری از افراد نگرش‌های سازنده‌ای نسبت به انتخاب دارند، نگرش‌هایی نظیر واقع‌گرایی، منطق‌گرایی، الزامی‌دانستن خودشناسی و دیگرشناسی و همچنین ایجاد ارتباط موقتی برای شناختی مطلوب، که تکیه بر آن‌ها این امکان را برای وی فراهم می‌کند که علاوه بر بررسی ابعاد کارکردی و وجودی خود که قطعاً بینش نسبت به آن‌ها جهت داشتن انتخابی موفق ضرورت دارد، نسبت به ابعاد وجودی طرف مقابل اعم از ابعاد شخصیتی، علاقه‌ای و ارزشی وی نیز بینش پیدا کند و با بررسی دقیق معیارها، انتظارات، فرهنگ و ساختار خانوادگی وی نه تنها تحلیل عمیق‌تری از تناسب خود با وی داشته باشد بلکه با بررسی تمامی جوانب تصمیمی مبتنی بر عقلانیت بگیرد، تصمیمی که قطعاً موفقیت زندگی وی را در آینده تا حد زیادی پیش‌بینی خواهد کرد. در واقع انتخاب موفق مستلزم این است که فرد نسبت به خود و تمامی جوانبی که در روابط زوجی و زندگی زناشویی می‌تواند تأثیرگذار باشد را مورد بررسی قرار دهد و سپس تمامی تلاش خود را برای کسب بینش نسبت به همین ابعاد در طرف مقابل خود به کار بگیرد تا بتواند با مقایسه و تطبیق اطلاعات به دست آمده، معقول‌ترین تصمیم را در این زمینه بگیرد. طی کردن این فرایند و گام برداشتن در مسیر چنین بررسی‌هایی، مستلزم این است که فرد نگرش‌های مثبتی نسبت به چنین فرایندی داشته باشد، نگرش‌هایی که نبود آن فرد را از هرگونه بررسی منطقی دور نگه خواهد داشت و مانع این خواهد شد که انتخابی فرایندی داشته باشد و با تکیه بر بینش‌های کسب‌کرده خود از موقعیت‌های موجود، بهترین را برگزیند.

دومین مقوله شناسایی شده در زمینه نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج نسبت به انتخاب، نگرش‌های ناکارآمد و مخرب بودند، نگرش‌هایی که نه تنها به داشتن انتخابی موفق و همسرگزینی مطلوب کمک نمی‌کنند، بلکه احتمال داشتن انتخابی ناسالم که بلاشک، تداوم زندگی زناشویی را با مشکل مواجه خواهد کرد افزایش می‌دهد. گروهی از

مصاحبه‌شوندگان ایده‌آل‌گرا بودند و بر معیارها و ملاک‌هایی جهت انتخاب تأکید داشتند که جنبه آرمانی داشته و با واقعیت وجودی فرد و جامعه وی تناسب چندانی نداشتند. ازدواج را عاملی محدودکننده تلقی می‌کردند و معتقد بودند که مانع از پیشرفت آن‌ها در ابعاد مختلف زندگی می‌شود و تداوم زندگی را برای آن‌ها دشوار و عاری از لذت می‌گرداند. هیچ اعتقادی به مشورت و مشاوره با متخصصین و افراد شایسته جهت داشتن انتخابی موفق نداشتند و تأکید داشتند که صرفاً با تکیه بر عقل و خرد خود می‌توانند انتخابی موفق و سازنده داشته باشند. نهایتاً اینکه ازدواج را عامل‌رهایی از هرگونه درد و رنج تعبیر می‌کردند و باور داشتند که انتخاب موفق و ازدواج سازنده می‌تواند آن‌ها را از تمامی مشکلات زندگی برهاند و زندگی آرمانی را برای آن‌ها رقم بزند. زندگی که سرتاسر خوشی است و فاقد هرگونه مشکلی کارکردی است.

مک جینس<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در پژوهش خویش تصریح کرد که برخی از افراد نگرش‌های مخربی دارند که مانع از انتخاب موفق و مطلوب آن‌ها می‌شود. در واقع به اعتقاد وی داشتن انتخاب موفق مستلزم وجود نگرش‌های سازنده است با این حال بسیاری از افراد آمیخته با انتظارات و باورهای غیرواقع‌بینانه‌ای هستند که احتمال داشتن انتخاب موفق را از آن‌ها سلب می‌کند و موجب می‌شود نتوانند آنگونه که باید همسفر مطلوبی برای خود برگزینند. نداشتن نگرش‌های واقع‌بینانه و آمیخته شدن با نگرش‌های ایده‌آل‌گرایانه و غیرمنطقی یکی از مخرب‌ترین عواملی است که فرصت انتخاب موفق را از بین می‌برد و سبب می‌شود که فرد بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود فردی را انتخاب کند، انتخابی که معمولاً با شکست و ناکامی‌های زیادی همراه خواهد بود. کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) تأکید دارند که افراد درباره میزان تایید عقاید خود یا درباره میزان اهمیت بعضی از باورهایشان اطلاعات کمی دارند و باورهای غیرواقعی و غیرمنطقی آن‌ها نه تنها امنیت روان‌شناختی‌شان را متزلزل می‌کند بلکه منجر به ناتوانی عقلانی آن‌ها در انتخاب



شده و آن‌ها را با مشکلات و تنش‌های زیادی همراه می‌کند. ایده‌آل‌نگری، اعتماد به نفس کاذب و تصمیم‌گیری مبتنی بر هیجان صرف، از جمله نگرش‌ها و عوامل مخربی است که بسیاری از افراد با تکیه بر آن فرایند انتخاب را پیش می‌برند و همسر آینده خود را انتخاب می‌کنند. عواملی که قطعاً مانع از انتخاب مطلوب و واقع‌بینانه شده و ناکامی‌های زوجی را در آینده پیش‌بینی می‌کند (بوچلمن، گاتمن و فینسیلبر، ۱۹۹۲). کاب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که باورهای غیرمنطقی درباره انتخاب همسر، ممکن است انتخاب‌های فرد درباره ازدواج با چه کسی یا چه موقع را محدود کند، تلاش وی برای یافتن همسر مناسب را محدود و یا بیش از حد نشان دهد، مانع فکرکردن راجع به نیروها و ضعف‌های میان‌فردی شود، مشکلات مربوط به انتخاب همسر را دائمی نشان دهد و گزینه‌های موجود برای حل مساله را محدود کند.

بسیاری از افراد بینش و دیدگاهی منطقی نسبت به انتخاب و چگونگی انجام آن ندارند و متاثر از همین دیدگاه‌ها این مرحله از زندگی را نادیده گرفته و یا دست کم می‌گیرند، به همین دلیل انتخابشان از عقلانیت چندانی برخوردار نیست و معمولاً با شکست مواجه می‌شود. برخی از افراد واقع‌نگری چندانی ندارند و با تکیه بر نگرش‌های ایده‌آل‌گرایانه سعی بر انتخاب دارند و به همین دلیل بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود، فردی را مبتنی بر ملاک‌ها و معیارهای نامعلوم و آرمانی انتخاب می‌کنند که احتمال موفقیت این انتخاب و تناسب فرد انتخابی با آن‌ها در سطح بسیار پایینی قرار دارد. لذا بدیهی است که چنین انتخابی از موفقیت چندان زیادی برخوردار نباشد. برخی دیگر از افراد نگرش‌های غیرکارآمدتری نسبت به انتخاب و فرایند همسرگزینی دارند و معتقد هستند که صرفاً با تکیه بر توان عقلانی خویش می‌توانند بهترین گزینه را برای زندگی زناشویی انتخاب کنند و هیچگونه نیازی به همفکری با دیگران از جمله متخصصین ندارند. همچنین این افراد گاهی ازدواج را عامل بدبختی تلقی می‌کنند و

کاملاً با آن مخالف هستند، زیرا که معتقدند ازدواج محدودکننده است و فرصت هرگونه پیشرفتی را از آن‌ها در طی دوره‌های مختلف زندگی سلب می‌کند، لذا بهتر است از خیر آن بگذریم و خود را با درگیرکردن در آن به سیاهچاله نیندازیم. چنین نگرش‌های مخربی از یکسو ممکن است منجر به انتخابی شود که هیچ تناسبی با فرد ندارد و تعاملشان با یکدیگر قطعاً با شکست و یا گستره‌ای از آشفتگی‌ها مواجه خواهد شد و از سوی دیگر ممکن است سبب گردد که فرد هیچ انتخابی نداشته باشد و پیوسته‌گزینه‌ها همسر را به تعویق بنیدازند. تعویقی که در صورت تداوم آن ممکن است به تجرد دائمی و قطعی فرد منجر شود.

به طور کلی پژوهش حاضر به بررسی کیفی نگرش‌های دختران در آستانه ازدواج نسبت به انتخاب پرداخت و یافته‌های پژوهش نشان داد که نگرش‌های این گروه نسبت به انتخاب به دو مقوله اصلی نگرش‌های کارآمد (عقلانیت و منطق‌گرایی، واقع‌گرایی، باور به خودشناسی، باور به دیگرشناسی، الزامی تلقی‌کردن رابطه شناختی، باور به تعادل سنجی، باور به همفکری و مشاوره انتخاب) و نگرش‌های ناکارآمد (ایده‌آل‌گرایی، محدودکننده دانستن انتخاب و ازدواج، ناموثر و غیرضروری تلقی‌کردن همفکری در انتخاب و تلقی انتخاب و ازدواج به عنوان پل‌رهای مطلق از رنج) تقسیم می‌شود. این یافته‌ها از یک سولزوم توجه بیش‌تر به مسئله انتخاب و ازدواج دختران در آستانه ازدواج را آشکار می‌سازد و از سوی دیگر نشان داد که نگرش‌های این گروه نسبت به ازدواج در دو طیف نگرش‌های مخرب و مطلوب جای می‌گیرد، که می‌بایست زمینه برای تدوین برنامه‌هایی آموزشی و اصلاحی جهت تقویت نگرش‌های مثبت موجود در این گروه و رفع نگرش‌های منفی و مخربی که قطعاً غلبه آن بردنیای شناختی افراد منجر به داشتن انتخاب ناموفق و نهایتاً شکست در ازدواج خواهد شد فراهم گردد. در نظر نگرفتن تفاوت‌های فرهنگی و عدم تلاش برای انتخاب مشارکت‌کنندگانی با فرهنگ، قومیت، زبان و دیدگاه اعتقادی متفاوت از جمله محدودیت پژوهش حاضر می‌باشد که تعمیم

یافته‌های پژوهشی را به جامعه در دسترس و هدف با محدودیت مواجه می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی پژوهشگر تلاش کند که اعضای نمونه را از فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و نگرش‌های اعتقادی مختلفی انتخاب و نگرش آن‌ها را نسبت به انتخاب همسر و یا همسرگزینی مورد بررسی قرار بدهد.

### تشکر و قدردانی

این تحقیق، استخراجی از رساله دکتری رشته مشاوره دانشگاه اصفهان بوده و دارای مجوز از کمیته اخلاقی دانشگاه نیز می‌باشد. بدینوسیله از تمامی کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند قدردانی می‌نمائیم.

### منابع

- جبرائیلی، ه.، زاده محمدی، ع.، حیدری، م. (۱۳۹۲). تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹ (۲)، ۱۵۵-۱۷۱.
- جنادله، ع. رهنما، م. (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۰ (۳)، ۲۷۷-۲۹۶.
- حریری، ن. (۱۳۸۹). اصول و روش تحقیق کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خلیج‌آبادی فراهانی، ف.، زاده محمدی، ع. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل دانشجویان تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱ (۱)، ۳۳-۵۲.
- رضوی، س. ح.، جزایری، ر.، احمدی، س. ا.، اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). تأثیر برنامه آماده‌سازی پیش‌از ازدواج بر اساس مدل اولسون بر رضایت زناشویی زوج‌ها در دوران عقد. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۷ (۶۷)، ۴-۱۹.
- رضوی، ا. س.، فاتحی‌زاده، م.، اعتمادی، ع.، عابدی، م. (۱۳۹۱). تعیین رابطه "طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد نگرش نسبت به نحوه انتخاب همسر" در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران. فرهنگ مشاوره، ۱ (۲)، ۴۵-۷۰.
- سلیمی، ج.، کریمی، م. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مفاهیم لازاروس بر تغییر نگرش نسبت به انتخاب همسر در بین دانشجویان دختر. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱ (۴)، ۵۱۲-۵۳۳.
- علی‌مهدی، م.، قربانی، ف. (۱۳۹۴). نقش صدا و سیما در ارتقای سلامت: مطالعه‌ای برای صدا و سیما مرکز خراسان رضوی. فصلنامه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴ (۳)، ۳۲۶-۳۳۸.

- متقی، ز.، کرامت، ا.، دامغانیان، م.، گرگانی، ن.، مرتضوی، ف. (۱۳۹۶). دیدگاه زوجین و آرایه دهندگان خدمات مشاوره‌ای در مورد برنامه مشاوره ازدواج: مطالعه کیفی. *نشریه پایش*، ۱۶ (۲)، ۱۹۱-۱۹۹.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. ۲. تهران: جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- میراحمدی، س. ل.، فاتحی‌زاده، م.، اعتمادی، ع.، جزایری، ر.، پسندیده، ع. (۱۳۹۶). انتخاب همسر مبتنی بر آموزه‌های اسلامی براساس تحلیل کیفی احادیث اصول کافی. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶ (۶۲)، ۷۹-۵۲.
- میرمحمدصادقی، م. (۱۳۸۴). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- Adams, J. S. (1963). Toward an Understanding of Inequity. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 67 (1), 422-436.
- Bradford, K., Stewart, J. W., Pfister, R. & Higginbotham, B. J. (2016). Avoid Falling For A Jerk (Ette): Effectiveness Of The Premarital Interpersonal Choices And Knowledge Program Among Emerging Adults. *Journal of Marital and Family Therapy*, 1 (1), 1-15.
- Brumbaugh, C. C., Baren, A, Agishten, P. (2014). Attraction to attachment insecurity: Flattery, appearance, and status,s role in mate preferences. *Personal Relationships*, 21 (1), 288-308.
- Buehlman, K. T., Gottman, J. M., & Fainsilber, L. K. (1992). "How a Couple Views Their Past Predicts Their Future: Predicting Divorce from an Oral History Interview." *Journal of Family Psychology*, 5 (3 & 4), 295\_318.
- Buss, D. M. (2016). *The handbook of Evolutionary Psychology* (2th ed. pp. 482). New Jersey: Hoboken.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 77\_101.
- Cacioppo, J. T., Cacioppo, S., Gonzaga, G. C., Ogburn, E. L., VanderWeele, T. J. (2013). Marital satisfaction and break-ups differ across on-line and off-line meeting venues. *P. Natl. Acad. Sci. U. S. A*, 110 (1), 10135-10140.
- Carolan, M. T., Bagherinia, G., Juhari, R., Himerlright, J., & Mouton-Sanders, M. (2000). Contemporary Muslim Families: Research and practice. *Contemporary Family Therapy*, 22 (1), 67-79.
- Cobb, N. P., Larson, J. H. & Watson, W.L. (2003). Development of the Attitudes about Romance and Mate Selection Scale. *Family Relations*, 52 (1), 222-231.
- Fazio, R. H. (2007). Attitudes as object-evaluation associations of varying strength. *Social Cognition*, 25 (5), 603-637.
- Festinger, L. A. (1954). A Theory of Social Comparison Processes. *Human Relations* 7 (1), 117-140.
- Gawronski, B., & Bodenhausen, G. V. (2007). Unraveling the processes underlying evaluation: Attitudes from the perspective of the APA model. *Social Cognition*, 25 (5), 687-717.
- Glubo, H. (2012). *Mate Selection in India: A Health Psychological Perspective*. PHD Thesis, Ferkauf Graduate School of Psychology. Yeshiva University.

- Gottman, J, and Krokoff, L. (1989). Marital Interaction and Satisfaction: A Longitudinal View. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57 (1), 47\_52.
- Guba, E. G., Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. New York, NY: Sage Publications.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15 (9), 1277-1288.
- Huston, T. L. (1974). *A Perspective on Interpersonal Attraction, Foundations of Interpersonal Attraction*. New York: Academic Press.
- Kerpelman, J. L., Pittman, J. F., Adler-baeder, F., Eryigit, F. & Paulk, A. (2009). Evaluation of a statewide Youth – focused relationships education curriculum. *Journal of Adolescence*, 32 (1), 1359-1370.
- Killawi, A., Fathi, E., Dadras, I., Daneshpour, M., & Elmi, A. (2017). Perceptions and Experiences Of Marriage Preparation Among U.S. Muslims: Multiple Voices From The Community. *Journal of Marital and Family Therapy*, 1 (1), 1-17.
- Larson, J. H. (1992). You're My One and Only: Premarital Counseling for Unrealistic Beliefs about Mate Selection. *American Journal of Family Therapy*, 20 (3), 242\_253.
- Larson, J. H. (2000). "You're my one and only": Premarital counselling for unrealistic beliefs about mate selection. *American Journal of Family Therapy*, 20 (1), 242-253.
- Levinger, G., Snoek, J. D. (1972). *Attraction in Relationship: A New Look at Interpersonal Attraction*. New York: General Learning Press.
- Macfarlane, J. (2012). *Islamic divorce in North America: A Shari'a path in a secular society*. Oxford: Oxford University Press
- McGinnis, S. L. (2003). "Cohabiting, Dating, and Perceived Costs of Marriage: A Model of Marriage Entry." *Journal of Marriage and Family* 65 (1), 105-116.
- Miles, M. B., & Huberman, A. M. (1994). *Qualitative data analysis: An expanded sourcebook*. Sage.
- Nussbaum, L., B. (2006). *A study of the relationship between attitudes about romance and mate selection and spiritual maturity of eighteen – years-old in selected southern Baptist churches in the Dallas Fort Worth area*. PHD Thesis, school of educational Ministries, Texas, USA.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative evaluation and research methods* (4th Ed.). Newbury Park, Calif: Sage Publications.
- Potarca, G. (2016). Does the internet affect assortative mating? Evidence from the U.S. and Germany. *Social Science Research*, 1 (1), 1-20.
- Prakash, R. (2014). Who Marries Whom? Changing Mate Selection Preferences in Urban India and emerging Implication on Social Institutions. *Population Research Policy Rev*, 33 (1), 205-227.
- Riskine, J., & Faunce, E. E. (2009). An evaluative review of family interaction research. *Family process*, 11 (1), 365-455
- Rosenfeld, M.J., Thomas, R.J., 2012. Searching for a mate: the rise of the Internet as a social intermediary. *American Social Rev*, 77 (1), 523-547. [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

- 
- Shwarz, N. (2007). Attitude construction: evaluation in context. *Social cognition*, 25 (5), 638-656.
  - Sklar, Q. T. (2016). *Narrative analysis on parent-child relational closeness, acculturation, and racial preference in mate selection among second-generation Asian Americans*. PHD Thesis, Rosemead school of psychology. Biola University.
  - Smite, E. R and Mackie, D. M. (2000). *Social Psychology* (2nded). Philadelphia: Psychology Press.
  - Thomas, K. (1971). *Attitudes and behavior: selected reading*. Penguin.
  - Strenberg, R. J. (1987). *The Triangle of Love: Intimacy, Passion, Commitment*. New York: Basic Books.
  - Wilcox. B. (2010). When marriage disappears: The retreat from marriage in Middle America. Retrieved December 15, 2014, from <http://www.stateofourunions.org/2010/SOOU2010.pdf>
  - Willoughby, B. Hall, S. S. Luczak, H.P. (2015). Marital Paradigms A Conceptual Framework for Marital Attitudes, Values, and Beliefs. *Journal of Family Issues*, 36 (2), 188-211.
  - Winch, R. F. (1958). *Mate Selection: A Study of Complementary Needs*. New York: Harper and Brothers.